

جریان‌های فکری سیاسی اسلامی عراق پس از ۲۰۰۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۶/۴/۳

منصور میراحمدی *

محمدحسین مرزه **

سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی در تحولات سیاسی - اجتماعی عراق از یک سو و نقش آفرینی جریان‌های فکری - سیاسی گوناگون از سوی دیگر است. این حادثه اگرچه سهم بسزایی در حرکت عراق در مسیر رشد و توسعه دارد، از زاویه‌ای بحران‌های اساسی را در جامعه عراق نمایان ساخت. مقاله حاضر، با بررسی جریان‌های فکری - سیاسی مهم در این دوران که ذیل دو جریان کلان فکری - سیاسی شیعی و سنی قرار می‌گیرند، تحلیل آنها را با تأثیرپذیری از الگوی نظری توماس اسپریگنز ارائه می‌کند. مطالعات صورت گرفته در این مقاله، نشان‌دهنده اختلاف نظر بسیار این جریان‌ها در شناسایی بحران، علل و عوامل بحران، وضعیت مطلوب و راهکارهای رسیدن به آن است که در متن مقاله به تفصیل بررسی شده است.

کلیدواژگان: حزب الدعوة اسلامی، مجلس اعلای اسلامی عراق، حزب اسلامی، هیئت علمای مسلمین، جماعت‌های مسلم.





۱. مقدمه

عراق بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳م به‌طور ناگهانی دچار دگرگونی در نظام سیاسی شد؛ از نظام بعثی اشتراکی، به دموکراسی پارلمانی و لیبرالی. سقوط صدام، زمینه مناسبی برای ورود جریان‌های فکری - سیاسی مختلف به عرصه سیاست به‌منظور تأثیرگذاری در وضعیت آتی عراق فراهم ساخت. در این میان، شرایط خاص فرهنگی عراق، نقش جریان‌های فکری - سیاسی اسلامی را به‌طور ویژه‌ای بااهمیت گرداند. این جریان‌ها در کنار شناسایی بحران‌های اصلی حاکم بر وضعیت عراق در این دوران و تحلیل علل و عوامل پیدایش آنها، به ترسیم وضعیت مطلوب خود پرداخته، راهکارهای موردنظر خود را برای رسیدن به این وضعیت ارائه نمودند.

مقاله حاضر با تأثیرپذیری از الگوی روش توماس اسپریگنز، به بررسی مقایسه‌ای دو جریان کلان مهم شیعی و سنی در عرصه فکری - سیاسی عراق می‌پردازد. بی‌تردید شناخت دیدگاه‌های مشترک و متفاوت این جریان‌ها نقش بسزایی در تحلیل مناسب این جریان‌ها و در نتیجه، وضعیت آتی عراق ایفا می‌کند. در ادامه، به‌اختصار به تحلیل دیدگاه شش جریان فکری - سیاسی مهم می‌پردازیم که ذیل دو جریان کلان شیعی و سنی قابل درج‌اند.

۲. مرجعیت

مرجع تقلید، مهم‌ترین جایگاه مذهبی - اجتماعی در جامعه شیعی است که تعدادی از شیعیان اعمال دینی خود را بر اساس دیدگاه‌های فقهی او انجام می‌دهند و معمولاً وجوهات شرعی خود را به او یا نمایندگان او می‌پردازند. نفوذ اجتماعی مرجع تقلید از تعداد مقلدان او سرچشمه می‌گیرد. بدون شک رکن اصلی ساختار شیعه در عراق، مرجعیت در نجف اشرف بوده و هست. متصدی مرجعیت در نجف اشرف، آیت‌الله سید علی سیستانی، شاگرد آیت‌الله خوبی است که در کنار عالمان و مجتهدان دیگری همچون آیت‌الله عبدالاعلی سبزواری و سید سعید حکیم، یکی از شخصیت‌ها و بازیگران مهم صحنه سیاسی عراق بعد از ۲۰۰۳ به شمار می‌آید.

الف) بحران از دیدگاه مرجعیت

مهم‌ترین اتفاق در دوران مرجعیت آیت‌الله سیستانی، سقوط نظام بعث و فروپاشی دولت به دست نیروهای آمریکایی و منحل کردن ارتش و وزارت کشور از سوی آمریکایی‌ها یا ائتلاف بین‌المللی به دلیل مجرم دانستن حزب بعث صدام و همین‌طور خالی ماندن کشور از هرگونه حکومت بود. مرجعیت آیت‌الله سیستانی در برخورد با این شرایط و موضع‌گیری او در برابر



نظام سیاسی با مرجعیت‌های سابق تفاوتی نداشت. او در جزئیات فعالیت‌های سیاسی وارد نشد، بلکه با فاصله از آن ایستاد تا این نهاد دینی را از ورود به حیطه سلطه و استفاده از حکومت به‌دور نگه دارد (بحرالعلوم، ۲۰۱۵م، ص ۱۶۶). این موضع سیستمی از ابتدای ۲۰۰۳ و بعد از سقوط نظام بعثی تا به حال ادامه دارد.

دولت مدرن دولتی است که حقوق همه شهروندان در آن حفظ می‌شود و همه در برابر قانون در یک سطح هستند. همین‌طور جامعه مدنی و سازمان‌های مدنی در آن، یکی از مهم‌ترین اهداف مرجعیت آیت‌الله سیستمی بوده است. با توجه به این مطلب، بحران اصلی کشور عراق از دیدگاه مرجعیت شیعی که می‌توان آن را به‌روشنی در بیانی‌ها و گفته‌ها و نماز جمعه در کربلا - که منبر رسمی آیت‌الله سیستمی به گفته خود اوست - دید، همان رسیدن به این هدف و آماده کردن زمینه، وسایل و چگونگی رسیدن به این هدف است. او برای رسیدن به هدف خود که مصلحت ملت را دربرمی‌گرفت، ابتدا برای وحدت نظر مرجعیت نجف اشرف، هیئتی متشکل از مراجع بزرگ نجف اشرف و عراق پدید آورد که عبارت‌اند از: آیت‌الله سید سعید حکیم، آیت‌الله شیخ بشیر نجفی، آیت‌الله شیخ محمد اسحاق فیاض. وی بعد از یکسان‌سازی موضع سیاسی مرجعیت به موضع‌گیری در برابر آمریکایی‌ها پرداخت. سیستمی مداخله‌جویی آمریکایی‌ها را در عراق و کمک به ملت عراق را برای رهایی از نظام دیکتاتوری صدام محکوم نکرد، ولی از آنها خواست پس از استقرار امنیت و ثبات از عراق خارج شوند.

همین‌طور مرجعیت گزینه‌هایی برای جلوگیری از تحقق اراده آمریکایی‌ها در تدوین قانون اساسی عراق ارائه کرده و بر اینکه قانون اساسی به دست عراقی‌ها نوشته شود، اصرار می‌ورزید. او همچنین حق حاکمیت را از راه‌های مسالمت‌آمیز برای ملت عراق مطالبه می‌کرد (لاری، ۲۰۰۷ م، ص ۳۵۹).

آیت‌الله سیستمی تشکیل یک حکومت منتخب قوی از طرف پارلمانی منتخب را خواستار بود و همین‌طور به‌صورت مثبت و مستمر می‌کوشید مفاهیمی را در جامعه نهادینه سازد. او با اصرار سعی می‌کرد مرجعیت را در واقع حامی پدران کل جامعه قرار دهد و نه دفاع از حاکم و می‌کوشید همواره گزینه‌ها را برای مقابله با حوادث و موقعیت‌های مختلف بگذارد تا تصمیم‌گیری‌های مرجعیت انعطاف‌پذیر، به‌دور از گزینه‌های ثابت و اغلب گزینه‌ها برحسب شرایط سیاسی متغیر باشند.



و همچنین نوع نظام مانعی برای وحدت ملی و دفاع از حقوق شهروندان در برابر مرجعیت نخواهد بود. این خصوصیات مواضعی است که مرجعیت در طول تاریخ معاصر عراق، از استعمار بریتانیایی، نظام پادشاهی و چهار جمهوری گذشته داشته و منفعت مردم را فوق هر چیز قرار داده است (بحرالعلوم، ۲۰۱۵م، ص ۱۶۷).

ب) عوامل بحران

اول: فرهنگی؛ آیت‌الله سیستانی پدیدآوری فضایی مناسب برای برپایی چنین دولتی را از راه بیانیه‌های مکرری که در زمینه‌های مختلف، از جمله حقوق زن، قانون اساسی، اشغالگران، نظام فدرالی، مرجعیت دینی، آینده حکومت در عراق، نصایح، فتنه طایفه‌ای، دین و دولت و انتخابات صادر می‌کرد و همین‌طور از راه خطبه‌های نماز جمعه کربلا و معتمدانش در محله‌ها و شهرهای مختلف پدید آورد (الخیاط، ۲۰۰۵م، ص ۱۵۴).

دوم: تنوع قومی و مذهبی؛ مرجعیت بعد از ۲۰۰۳ تا جایی که می‌توانست و با همان روش‌های خود، یعنی بیانیه‌ها، فتاوا و خطبه‌های نماز جمعه، جلو هر فتنه یا درگیری میان گروه‌های قومی - مذهبی عراق را گرفت و بیشتر خطبه‌های نماز جمعه و بیانیه‌ها بر این نکته تأکید دارند (الخفاف، ۲۰۱۵م، ص ۳۲۳).

سوم: وجود اشغالگر آمریکایی و دولت‌های مؤتلف و محیط نامناسب منطقه‌ای؛ واقعیت این است که آمریکایی‌ها از عراق بعد از صدام، عراقی با حکومتی قدرتمند نمی‌خواستند. آنها ابتدا نیز تمایلی به برگزاری انتخابات مستقل و نوشتن قانون اساسی به دست نمایندگان منتخب نداشتند. آیت‌الله سیستانی هم که نمی‌خواست تجربه انقلاب ملی ۱۹۲۱ ضد انگلیسی‌ها که با شکست روبه‌رو شد، تکرار گردد و حکومت آن‌گونه که اشغالگران می‌خواستند شود، به مقابله با این سیاست پرداخت و در این باره حتی به سازمان بین‌الملل هم شکایت کرد. آیت‌الله سیستانی در مواجهه با این مورد بیانیه‌ها و فتاوی بسیاری خطاب به ملت عراق صادر فرمود (همان، ص ۳۲۹).

چهارم: فساد اداری و مالی؛ آیت‌الله سیستانی دیدگاه‌های خود را در این خصوص، در دیدارهای خود با مسئولان و همین‌طور از طریق نمازهای جمعه که قبل و بعد از انتخابات انجام می‌شد، ابلاغ می‌کرد. این مسئله تنها در جنبه مالی آن نبود، بلکه هزاران منصب دولت بر اساس عضویت در حزب و نزدیکی به قدرت، بین احزاب تقسیم می‌شد و این اشخاص که به ده‌ها هزار نفر می‌رسند، با حمایتی که از احزاب آنها می‌شد و برای استمرار احزاب و قدرت آنها به گرفتن کمیسیون‌ها می‌پرداختند و خدمت به مردم و کشور را فراموش

می‌کردند. برای همین بود که آیت‌الله سیستانی در بیانیه‌ای، امتناع خود را از پذیرفتن هر مسئول حکومتی، به دلیل عدم توجه به نصایح مرجعیت برای تلاش روز افزون در جهت خدمات رسانی و بالا بردن سطح معیشتی مردم و جلوگیری از فساد و عدم رضایت مرجعیت از ایفای نقش همه مسئولان اعلام داشت (همان، ص ۱۲۵).

ج) جامعه مطلوب

آیت‌الله سیستانی وقت و شرایط را بعد از ۲۰۰۳ مناسب با طرح نظام ولایت امت بر خود می‌داند، ولی مانند میرزای نائینی و مهدی شمس‌الدین به شدت مخالف ولایت فقیه عام مطلق است. این موضوع را می‌توان به راحتی در بیانیه‌ها و فتاوا و مکتوبات صادر از او مشاهده کرد (الرفاعی، ۲۰۱۴م، ص ۳۱). به همین دلیل، او جامعه‌ای مدنی و همین‌طور دولتی مدنی را برای عراق مناسب دید (البغدادی، ۲۰۱۰م، ص ۱۶۷). نظام سیاسی در دولت جامعه مطلوب، ولایت ملت بر خود ۱ است. به عبارت دیگر، هر نوع حکومتی را که اکثریت مردم از راه صندوق انتخابات به آن رأی دهند، نظام سیاسی دولت دموکراتیک است. این نوع نظام، اکثریتی و به هدف انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، دموکراتیک است (الامامی، ۲۰۱۴م، ص ۷۸). ایشان برای دولت به عنوان جزئی لاینفک از جامعه مطلوب شرایط و مشخصاتی را به‌طور پراکنده اعلام داشته است.

د) راهکارهای جامعه مطلوب

اول: دولت‌سازی؛ آیت‌الله سیستانی معتقد است فرایند جامعه یا ملت‌سازی بر اساس الگوی جامعه مطلوب مورد نظر خود، به زمان فراوانی نیازمند است؛ به‌ویژه قدرت دولت قوی، حاکمیت قانون، عدالت و برابری را برای رسیدن به آن نیاز دارد. از این رو، مرجعیت برای عبور از بحران و رسیدن به آرمان شهر خود، دولت‌سازی را در اولویت اهتمام خود قرار می‌دهد و گفتمان سیاسی و اجتماعی مرجعیت نجف اشرف بعد از ۲۰۰۳ را بر اساس دولت‌سازی و به موازات آن فرهنگ‌سازی قرار می‌دهد. راهکارها و روش‌های دولت‌سازی به ترتیب زیر می‌تواند باشد: الف) قانون‌گذاری؛ ب) شکل‌گیری دولت، ج) امنیت؛ د) خدمات عمومی؛ ه) اشغالگر و حق حاکمیت و) فساد اداری و اخلاقی.

دوم: فرهنگ‌سازی؛ مرجعیت دینی برای اثرگذاری بر «افکار عمومی» عراق و توجیه ایشان، به هدف فرهنگ‌سازی مطلوب و رساندن فرهنگ گفتمان جدید مرجعیت به صورت





درست و بالا بردن آگاهی‌های جامعه برای درخواست حقوق مشروع خود و فهم مردم از وظایفی که در برابر جامعه، دولت، خانواده و دیگر جوانب زندگی دارند، از راه‌ها و وسایل گوناگونی استفاده می‌کند. بعضی از این راه‌ها به‌طور مستقیم است؛ همچون فتوا، خطبه‌های جمعه در کربلا، اعیاد بزرگ فطر، قربان و غدیر، مناسبات دینی و کتاب‌های علمی و برخی دیگر به‌صورت غیرمستقیم و از طریق نشست‌های رسانه‌ای و مطبوعات، سازمان‌های بین‌المللی، شبکه‌های وسیع وکلای مرجعیت و معتمدان، مراکز پژوهشی فکری و فرهنگی، سایت‌های همگانی و شبکه‌های مجازی همگانی است.

۳. حزب الدعوة اسلامی

از قدیم‌ترین احزاب اسلامی شیعی که در اکتبر سال ۱۹۵۷ (ربیع الاول ۱۳۷۷) پدید آمد و به‌تنهایی در مقابله با چهار دوره نظام جمهوری تا اوایل ۱۹۸۰ در عراق مقاومت کرد تا اینکه مخالفان به خارج انتقال پیدا کردند. شخصیت‌های مهم و مجتهدان برجسته‌ای در تأسیس آن مشارکت کردند؛ از جمله سید محمدباقر صدر، سید محمدمهدی حکیم، سید مرتضی عسکری و عبدالصاحب دخیل (آلمهنا، ۲۰۰۷م، ص ۳۳۷). پس از سقوط نظام بعثی صدام به‌وسیله ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش، این حزب به عراق بازگشت و با استقبال پرشور مردم از همه اقشار روبه‌رو شد (جعفری، ۲۰۰۸م، ص ۳۷). و از فعال‌ترین بازیگران غالب در صحنه عراق گردید که به برخی از موارد را اشاره می‌کنیم:

۱. شش عضو از ۱۰۰ عضو در کنگره ملی (که مسئولیت آماده‌سازی برای انتخابات موقت ۲۰۰۵ را برعهده داشت).
۲. دوازده عضو در پارلمان در انتخابات ۲۰۰۵ (احمد امجد، ۲۰۱۴م، ص ۶۵-۶۷) و نخستین نخست‌وزیر و یک وزیر (عبدالحمزه، ۲۰۰۸م، ص ۷۳).
۳. پنج عضو از ۵۵ عضو کمیسیون نوشتن قانون اساسی عراق در ۲۰۰۵.
۴. سیزده عضو پارلمان در انتخابات دائم در ۲۰۰۶ به‌علاوه نخست‌وزیر نوری مالکی و یک وزیر (الزبیدی، ۲۰۱۳م، ص ۶۶۴).
۵. امضای قرارداد راهبردی خروج ایالات متحده آمریکا از عراق در ۲۰۰۸/۱۲/۲۴ (روزنامه رسمی، ۲۰۰۸م، ش ۴۱۰۲)، که با تکیه بر نخست‌وزیر عراق، نوری المالکی و تلاش‌های رایزن‌های عراقی صورت پذیرفت که بیشتر از نود درصد آنها از حزب الدعوة بودند (احمد امجد، ۲۰۱۴م، ص ۱۶۴-۱۶۶).
۶. انتخابات ۲۰۱۰ که حزب الدعوة به‌تنهایی در فهرستی با عنوان «دولت قانون» ۸۹

- عضو پارلمان را کسب کرد به‌علاوه نخست‌وزیر و سه وزارت (همان، ص ۱۸۶-۲۰۱).
۷. در انتخابات ۲۰۱۴ با ۹۱ عضو پارلمان از ۳۲۵ عضو و نخست‌وزیری و نایب رئیس‌جمهور (سایت رسمی پارلمان، www.parliament.iq).
۸. مشارکت در حشد الشعبی و رهبری آن قبل و بعد از فتوای آیت‌الله سیستانی.

الف) بحران

از دیدگاه این حزب، بحران اصلی عراق بعد از ۲۰۰۳ تاریخی - فرهنگی است؛ یعنی رسیدن مخالفان شیعه به رأس حکومت در عراق بعد از قرن‌ها و شکست سد نفوذ ضد شیعه به مناصب بالا و توسعه آنها در منطقه (نشست بحرالعلوم، الأديب، ۲۰۱۳م، ص ۱۰-۱۲). به عبارت دیگر، فرهنگ سیاسی عشیره‌ای و نامنسجم عراق که سبب مداخله‌جویی همسایگان از مرزهای سیاسی شد، بحران تاریخی و فرهنگی عراق را تشکیل می‌دهد (المؤمن و دیگران، ۲۰۱۲م، ص ۱۵-۲۱).

ب) عوامل بحران

اول: بافت قومی - مذهبی ناهمگن (خیون، ۲۰۱۱م، ص ۳۰۹-۳۱۴).

دوم: مداخله‌جویی بازیگران خارجی در صحنه عراق (الادیب، ۲۰۱۲م، ص ۱۵-۲۱). بنا بر دیدگاه و اهداف ذکر شده، بروز اختلاف‌های قومی - مذهبی نه تنها تمامیت سرزمین عراق، بلکه موجودیت رژیم سیاسی را در معرض خطر قرار داد. اکنون نیز که چیزی به پایان عصر داعش در عراق نمانده است، باید همچنان با بحران پایدار حفظ و تثبیت هویت ملی و عدم تقسیم عراق و پیامدهای امنیتی مداخله‌جویی دولت‌های درگیر به دلیل تکوین نیافتگی دولت - ملت، دست‌وپنجه نرم کند.

متأسفانه در پرتو تحولات داخلی پس از سقوط صدام و بی‌تجربگی سیاست‌ورزان شیعه، شکاف‌های قومی - مذهبی بار دیگر فعال شده، عرصه سیاسی رقابت‌های خشونت‌آمیز بسیاری دیده، دغدغه تعقیب منافع ملی بر مصالح کلان اولویت یافته، نفوذپذیری و مداخله‌جویی در عراق بیش از گذشته شده و همه این مسائل در حال حاضر، روند بازسازی و پیشبرد پروژه ملت‌سازی را دشوار ساخته است.

سوم: نبود اراده حل بحران از سوی احزاب جریان‌های اسلامی.

حزب الدعوه این عامل را مهم‌ترین عامل بحران تاریخی فرهنگی عراق می‌داند (شبر، ۲۰۱۵م، ص ۵۴۳-۵۴۵). به نظر این حزب با وجود دو علت اول، اراده حل و فصل بحران از دست بازیگران داخلی به بازیگران خارجی منتقل می‌شود و آنها تصمیم می‌گیرند در چه وقت و





مرحله‌ای و چگونه عراق باید به ثبات کلی یا نسبی برسد. آنها هستند که تصمیم می‌گیرند زندگی ملت عراق در چه وقتی از زیست قدرت محور به زیست مبتنی بر سیاست صالح تبدیل می‌شود.

ج) جامعه مطلوب

این حزب با ذکر سیزده اصل، جامعه اسلامی را با شرایط و منابع خاص ترسیم می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اصل اول «اسلام» که عقیده و شریعت است. اولی مجموعه مفاهیم و دومی مجموعه قوانین است که رسول الله ﷺ آن را از طرف خداوند متعال آورده است و با تلازم عقیده و شریعت است که تکامل در جامعه اسلامی به وجود می‌آید.

اصل دوم «وطن اسلامی»: مکانی از زمین که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند و در آن حق سیاسی برای دولت اسلامی از قبیل بیت المال و روش تعامل اسلامی با اقلیت‌ها و غیره وجود دارد.

اصل سوم «دولت اسلامی؛ دولتی فکری»: یعنی این دولت دو رکن عاطفی و اندیشه‌ای دارد. اولی از مشارکت جماعتی از مسلمین در آن حاصل می‌گردد و دومی که حاصل اندیشه وجود دولت است، دولت را به سه نوع تقسیم می‌کنند: اقلیمی، قومی، فکری و دولت اسلامی فکری است (منشورات، ۱۹۸۳م، ص ۱۳۰-۱۴۵).

این سیزده اصل و هر آنچه در ادبیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حزب الدعوه اسلامی دیده می‌شود، برگرفته و استنباط شده از قرآن کریم و سنت پیامبر (در سخن، فعل و موضع گیری‌ها) است. این دو مصدر اساسی‌ترین منبع برای فرهنگ حزب الدعوه و الهام‌بخش در جنبه تنظیمی و سیاسی است؛ زیرا از منابع اصلی در استنباط آموزه‌ها و احکام شرعی برای فقها و سرشار از مواردی هستند که می‌تواند خط فکری و نظری همه جوانب زندگی را پوشش دهند (آیین‌نامه داخلی حزب الدعوه اسلامی، ص ۵۱).

د) راهکارهای رسیدن به جامعه مطلوب

اول: فقیه متعامل با نص: پیشرفت جامعه و تنوع در سبک‌ها، فقه را در متن واقع بودن، فعال و به حرکت آن کمک کرده و این امر تنها در حالی اتفاق می‌افتد که تعامل ویژه و بزرگی میان فقیه و واقعیت باشد؛ زیرا رابطه فقیه صرفاً با نص و به دور از واقعیت کافی نیست (فضل‌الله، ۱۹۷۹م، ص ۸۰-۸۱). این حزب مهم‌ترین راهکارهای رسیدن به آرمان شهر را حرکت فقیهانه‌ای می‌داند که فقیه متعامل با نص دارد.



دوم: ایجاد بسترهای چهارگانه فعالیت اسلامی: پروژه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر رویکرد معینی در حرکت و فعالیت دینی و سیاسی در چهار بستر داشت که عبارت‌اند از:
الف) عرصه بیداری امت و روش ساختن واقعیت فرهنگی و سیاسی تلخ و دردناک عراق؛
ب) مطلع ساختن امت به دینشان و روشن ساختن راه رهایی؛
ج) فعال سازی رهبران دینی برای پیشرفت؛
د) توجه خاص به حوزه علمیه برای ایجاد و تربیت رهبرانی لایق و مشروع برای تصدی (الحسنای، ۲۰۱۵م، ص ۱۴۴-۱۴۵).

سوم: ایجاد خصوصیات حزب اسلامی پیشرو: الف) سازمان‌دهی^۱؛ ب) نگاه انقلابی یا دگرگون‌کننده؛ د) مرکزیت (فائق، ۲۰۰۱م، ص ۱۹۱)؛ هـ) جهانی بودن (منشورات، ۱۹۸۴م، ص ۶۳-۶۵)؛ و) مرحله‌ای بودن.

۴. مجلس اعلاى اسلامى عراق

سید محمدباقر حکیم در اکتبر سال ۱۹۸۲ طی نشست خبری گسترده‌ای در تهران، از تأسیس مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق خبر داد (الزبیدی، ۲۰۱۳م، ص ۵۱۵) و خود را با عنوان «سخنگوی» آن مطرح کرد. مجلس اعلا جهت‌گیری‌های مختلفی را در خود جای می‌داد و مبتنی بر خط فکری امام خمینی در مبناهای فکری خود بود. افزون بر این تصمیم داشت همه قومیت‌ها و مذاهب عراق (سنی، شیعه، عرب، کرد، ترکمن و ...) را دربرگیرد (المؤمن، ۲۰۰۴م، ص ۳۳۶).

اهداف مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق بدین قرار است:

۱. ادامه جهاد و برپایی حکومت اسلامی عادل به رهبری ولی‌فقیه؛
۲. تعهد به روش اسلام در تحركات سیاسی و اصل (نه غربی نه شرقی)؛
۳. بسیج نیروهای اسلامی و همکاری با همه دسته‌های مجاهد در این راه؛
۴. ایمان به برادری میان همه قومیت‌های مسلمان بدون تعصب نژادی؛
۵. دفاع از حقوق مستضعفان جهان و فلسطین؛
۶. مرجعیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پایگاه و نقطه شروع انقلاب اسلامی جهانی (همان، ص ۳۳۸).

به‌طور خلاصه می‌توان برخی از فعالیت‌ها و تحركات سیاسی مجلس را از ۱۹۸۲ تا



۲۰۱۶ این‌گونه بیان کرد:

۱. مشارکت جدی در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق به‌وسیله سپاه بدر بازوی نظامی خود و تقدیم هزاران شهید در این راه.
۲. حمایت از انقلاب ۱۹۹۱ که در آن سیزده استان عراق در دست انقلابیان افتاد که با قلع‌و‌قمع وحشیانه نظام روبه‌رو شد.
۳. تلاش برای ترور محمد حمزه الزبیدی، یکی از عضوهای حزب بعث با ماشین بمب‌گذاری شده در نجف.
۴. مشارکت در حکومت بعد از ۲۰۰۳ و ریاست عبدالعزیز حکیم به‌عنوان رئیس دوره‌ای ششم مجلس حکومت موقت.
۵. داشتن وزیر کشور در حکومت موقت منتخب ۲۰۰۵ و شرکت در انتخابات شورای استان‌ها و پیروزی در اغلب استان‌ها به دلیل عدم مشارکت دیگران.
۶. سی عضو در پارلمان ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، سیزده عضو در ۲۰۱۰ و ۲۸ عضو در ۲۰۱۴.
۷. مشارکت در جنگ با داعش در ۲۰۱۵.
۸. سه وزیر در دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و سه وزیر در دوره ۲۰۱۴ که این به‌جز مدیران و منصب‌های دیگر است (همان، ص ۲۸۴-۲۸۹).

الف) بحران

با توجه به اینکه این حزب بر پایه نظام ریاست است و نظر مجلس را رئیس آن - که به‌طور وراثتی منتقل می‌شود - روشن و بیان می‌کند، وی در کتاب‌ها و بیانیه‌های مختلف بیان داشته است: مجلس اعلاى اسلامی عراق فقدان چشم‌انداز، برنامه‌ریزی و مدیریت را به‌عنوان بحران چند وجهی عراق بعد از ۲۰۰۳ تعریف می‌کند. این بحران مرکب از دیدگاه آنها عدم اعتماد، بیکاری و برآورده کردن نیازهای اقتصادی و امنیتی را به وجود آورده (نشست بحرالعلوم، سید عمار حکیم، ۲۰۱۳، ص ۱۳) و زمینه را برای مداخله‌جویی همسایگان و نیروهای جهانی منطقه‌ای ایجاد کرده است (حکیم، ۲۰۱۴، ص ۵۴-۵۵).

ب) علل و عوامل بحران

اول: رقابت و درگیری‌های سیاسی (همان، ص ۹۳-۹۸):

دوم: چالش‌های داخلی در روند سیاسی (مجموعه پژوهشگران، ۲۰۱۰، ش ۱۹، ص ۱۸-۴۲):

سوم: چالش‌های خارجی و روابط با کشورهای همسایه (همان، ش ۱۸، ص ۴۱-۶۲):

چهارم: فساد مالی و پیامدهای آن (نشست بحرالعلوم، جلی، ۲۰۱۳، ص ۹-۱۶).

ج) جامعه مطلوب

پروژه مجلس اعلا در عراق بعد از ۲۰۰۳ بر شعار صلح، آزادی و عدالت تکیه دارد و معتقد است عراق در بنیان پروژه جدید خود، پروژه صلح، آزادی، استقلال و عدالت، عزت و کرامت است و به شرکتی حقیقی بین همه افراد ملت عراق در چارچوب حکومتی اتحادی و حکومت‌های محلی نیاز دارد. ایشان به پروژه یا آرمان جامعه‌ای معتقد هستند که طبق قوانین حرکت کند و همه طیف‌های عراق در این جامعه و دولت شرکت داشته باشند و با حفظ وحدت زندگی کنند (الموسوی، ۲۰۰۵، ص ۱۳۶).

طبق آن چیزی که خود مجلس به آن اشاره می‌کند، دو رکن یا مبنا جامعه مطلوب آنها را ساخته است که عبارت‌اند از:

۱. ارزش‌ها و اصول اسلامی (مجموعه پژوهشگران، ۲۰۱۰، ش ۲۰، ص ۱۵۰-۱۵۳): چشم‌انداز رفتاری این جامعه بر اساس روش محمد رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام او بوده، هدف فعالیت سیاسی در جامعه بر اساس خدمت به ملت و برطرف کردن مشکلات و چالش‌های آینده جوانان و نیز به وجود آوردن امنیت، ثبات، رفاه و کامیابی برای وطن و شهروندان این جامعه است.

۲. ملی‌گرایی و اصلاحات ملی: یکی از مهم‌ترین عوامل مهم در استمرار وحدت ملی و اعتمادسازی پیوسته میان اعضای یک وطن و رهبران سیاسی آن است؛ زیرا این تنها راهی است که می‌توانیم با صراحت و شفافیت، همه چالش‌ها و جبهه‌گیری‌های به وجود آمده را حل کنیم و به راحتی به هدف ملی خود که همانا زندگی مسالمت‌آمیز و رفاه در یک وطن است، برسیم (حکیم، ۲۰۱۴، ص ۳۱-۳۷).

د) راهکارهای جامعه مطلوب

بدون شک با توجه به دیدگاه مطرح‌شده از طرف مجلس اعلا اسلامی عراق، آنها جامعه مطلوب خود را در یک کلمه یا جمله تعیین نکرده‌اند، ولی کوشیده‌اند با دقت چارچوب عمومی جامعه خود را در سطح اندیشه‌ای محدود کنند و ما با استفاده از حرکت و فعالیت سیزده ساله مجلس می‌توانیم به راهکارهای رسیدن به پروژه نانوخته جامعه مطلوب مجلس برسیم:

اول: ساخت دولت مدرن (همان، ص ۴۰-۴۴)؛

دوم: وحدت ارضی و ملت عراق (مجموعه پژوهشگران، ۲۰۱۰، ش ۱۹، ص ۴۵)؛

سوم: حمایت از هویت ملی عراق؛



چهارم: مشارکت حقیقی بین طیف‌های جامعه؛
پنجم: آشتی ملی (احمد محمد علی جابر، ۲۰۱۱م، ص ۱۰۳).

۵. تیار صدری

حرکت اصلاحی آیت‌الله سید محمدصادق صدر که بعد از وفات آیت‌الله خویی در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، اثر آشکاری بر جامعه عراقی گذاشت. او در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف به همراه دو پسر خود، مؤمل و مصطفی ترور شد.

بعد از ۲۰۰۳ سید مقتدی صدر توانست دوستانان پدرش را گرد خود جمع کند و با تأسیس دفتر شهید صدر در همه استان‌ها، خود را وارث راه پدرش بداند و فرصتی پیدا کند تا به زعم خود نظریه سیاسی پدرش را در عرصه سیاسی آزاد عراق پیاده سازد. پس می‌توان تأسیس تیار صدری را به بعد از ۲۰۰۳ و سقوط صدام برگرداند؛ زیرا پیش از آن کسی از آن نامی نمی‌برد و وجود خارجی نداشت (السعدی، ۲۰۰۹م، ص ۲۴۲).

سید مقتدی صدری در یکی از نمازهای جمعه در ماه ۲۰۰۳/۷ تشکیل ارتش امام مهدی (جیش المهدی) را اعلام کرد و مأموریت آن را حفاظت از مرجعیت، عتبات مقدسه و مقابله با اشغالگران آمریکایی دانست (الزبیدی و دیگران، ۲۰۰۸م، ص ۲۷۴). جیش المهدی در سال ۲۰۰۴ در زمان حکومت انتقالی ایاد علاوی با اسپانیایی‌ها وارد جنگ شد که سبب خروج آنها از نجف و جایگزینی آمریکایی‌ها در نجف گردید و در نهایت نبرد با قلعه‌و‌جمع جیش المهدی در نجف و وساطت آیت‌الله سیستانی به پایان رسید.

تیار صدری در انتخابات ۲۰۰۶ شرکت کرد و سی عضو در پارلمان داشت و در انتخابات ۲۰۱۰، ۳۸ عضو و در انتخابات ۲۰۱۴، ۳۴ عضو دارد (خیون، ۲۰۱۳م، ص ۴۲۲ - ۴۲۶).

اما در حکومت در دولت مالکی او ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ چهار وزیر و در وزارت دوم مالکی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ پنج وزارت و در حکومت حیدر عبادی پنج وزارت و نایب نخست‌وزیر را به دست آورد و این به‌جز مدیران و هیئت‌های مستقل و وکلای وزارت؛ اما در انتخابات شورای استان‌ها از سال ۲۰۰۹ حضور پیدا کرد.

ناگفته نماند که این جماعت اسلامی دارای قاعده هرمی منظم و مرهون اشاره سید مقتداست و بیشتر این قاعده از قشر پایین جامعه به شمار می‌آیند.

الف) بحران

بحران اصلی عراق از دیدگاه تیار، وحدت میان طیف‌های مختلف جامعه و تقویت هویت عراقی یا وجود اشغالگر نیست - آن‌گونه که دیگر احزاب می‌بینند و خود آنها نیز در ابتدا



این گونه می‌پنداشتند - بلکه مدیریت درگیری‌ها، بحران اصلی عراق از دیدگاه این گروه است. از این رو، سیاست‌های اتخاذ شده و فعالیت‌های این جریان از ۲۰۰۳ تا به حال نشان‌دهنده عدم اعتماد این جریان به همه احزاب و جماعت‌ها و حتی مرجعیت در مدیریت نزاع است. یکی از رهبران تیار صدی به نام ضیاء الاسدی در یکی از نشست‌های علمی در سال ۲۰۱۳ به این موضوع اشاره می‌کند (الکعبی، ۲۰۱۰م، ص ۴۳).

ب) علل و عوامل بحران

همگان می‌دانند جنبه‌ای از بحران در عراق، محلی است و دلایل بسیاری برای به وجود آمدن نزاع در انواع ذکر شده آن وجود دارد که به طور خلاصه مهم‌ترین آنها از دیدگاه تیار صدی عبارت‌اند از:

۱. نزاع بر سر منابع و ثروت‌های طبیعی؛

۲. نزاع تاریخی یا نفرت تاریخی که در سطوح مختلف جامعه وجود دارد؛ مثل نزاع‌های عشایری که در ده‌ها سال پیش ریشه دارد یا عرب و غیرعرب، مسلم و غیرمسلم، سنی و شیعی و دیگر نزاع‌های موجود در جامعه؛

۳. نزاع به دلیل کاهش منابع، مانند آب؛

۴. دفاع از منافع هنگامی که منافع گروهی با دیگری تعارض پیدا می‌کند و نزاع را به وجود می‌آورد؛

۵. اختلاف در ایدئولوژی‌های گروه‌هایی که در کنار هم و در یک شهر و اجتماع زندگی می‌کنند (صدر، ۲۰۱۵م، ص ۵۵-۶۸).

ج) جامعه مطلوب

نمی‌توان از این جماعت تصور خاصی از جامعه آرمانی به دست آورد؛ زیرا دلایل فراوانی می‌توان برشمرد که افزون بر افکار عمومی که از سید محمدصادق صدر برای خود ترسیم کرد، چیز دیگری جز موضع‌گیری‌های گوناگون و بسیار متغیر وجود نداشته که نتیجه تفکرات و تأملات آنی فردی به نام مقتدی صدر است. همچنین او با ادعای خود در اینکه در امتداد خط سید محمدصادق صدر است، پرچم برقراری حکومت اسلامی را برداشته است؛ زیرا محمد صدر به ولایت مطلق فقیه اعتقاد داشت (خیون، ۲۰۱۳م، ص ۳۵۳-۳۵۴).

د) راهکارهای رسیدن به جامعه مطلوب

به دلایل بسیاری جماعت مردمی صدر جامعه مطلوبی را برای خود ترسیم نکردند، ولی مواضع و فعالیت‌هایی را برای حل بحران عراق از دیدگاه صدی‌ها که همان بحران مدیریت





نزاع بود، چه قبل از خروج آمریکایی‌ها در پایان ۲۰۱۱ یا بعد از خروج نیروهای نظامی آمریکایی انجام دادند که برخی از آنها بدین قرار است:
اول: راه‌حل‌های روشمند حل بحران (نشست بحرالعلوم، ضیاء الاسدی، ۲۰۱۳م، ص ۲۲-۲۳)؛
دوم: شکستن موانع سنتی در ائتلاف‌ها؛
سوم: پذیرش قانون اساسی به عنوان مکانیسم هدایت فعالیت سیاسی (همان).

۶. حزب اسلامی

بی‌شک به‌سختی می‌توان تاریخی دقیق را برای تحرک سیاسی جریان سنی عراق در نظر گرفت، ولی به‌طور کلی عراق در سال‌های ۱۲ تا ۱۸ ق فتح شد. این فتح به‌تدریج از زمان خلافت ابوبکر آغاز شد و تا خلافت عمر بن خطاب طول کشید و اسلام با محتوای سیره شیخین، جز در مدائن که سلمان فارسی بود یا در کوفه که عمار یاسر بود، به‌طور وسیعی رشد کرد.

اهل تسنن عراق در دوران خلافت خلفای راشدین، هیچ حرکت سیاسی خارج از حرکت سیاسی خلفا نداشتند. همچنین در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و عثمانی‌ها و هر رئیس یا پادشاهی که بر آنها حکومت می‌کرد، هیچ فعالیت‌های جز اطاعت و فرمان‌بری از پادشاهان و سلطه نداشتند؛ زیرا نظر اکثریت ائمه مذاهب سنی، مسئله عدم خروج بر خلیفه و سلطان با تأکید بر نشر عدالت و حقوق بین مردم بود (خیون، ۲۰۱۳م، ص ۱۰-۱۱).

به‌طور کلی ابتدای حرکت سیاسی جریان سنی در عراق معاصر، بعد از سقوط خلافت عثمانی بود که در ۱۹۲۸ با ظهور «اخوان المسلمین» در مصر آغاز گردید و شاخه‌های آن در کشورهای دیگر، از جمله عراق باز شد. تشکیل شاخه اخوان مسلمین در عراق به شیخ محمد محمود صواف ارتباط داده شد؛ زیرا شیخ حسن بنا او را عضو هیئت تأسیس اخوان در مصر قرارداد و او را به تشکیل شاخه این سازمان در عراق مکلف کرد (همان، ص ۲۲-۲۴). برجسته‌ترین شخصیت‌های این حزب، شیخ محمد محمود الصواف، نعمان عبدالرزاق السامرائی رئیس حزب اسلامی در سال ۱۹۶۰، ایاد السامرائی رئیس حزب و عضو مجلس حکم انتقالی عراق در سال ۲۰۰۳، دکتر طارق هاشمی رئیس حزب و عضو مجلس در سال ۲۰۰۴، اسامه تکریتی رئیس حزب در سال ۲۰۰۹، عبد المنعم صالح العزی، غانم حمودات و ابراهیم نعمه به شمار می‌آیند (وب سایت اخوان مسلمین، ۱۳۹۴ش).

آنها در انتخابات ۲۰۰۶ یک عضو، در ۲۰۱۰ پنج عضو و در ۲۰۱۴ که به‌صورت ائتلافی وارد شدند، بیش از ۶ عضو (خیون، ۲۰۱۳م، ص ۹۹) در پارلمان داشته باشند. نیز دو دوره

نایب‌رئیس‌جمهوری و وزیر دارایی را به خود اختصاص دهند. این به‌جز مناصب دیگر، از وکلای وزرا و مدیران و غیره است (الزبیدی و دیگران، ۲۰۰۸م، ص ۲۱۵؛ همو، ۲۰۱۳م، ص ۶۶۴-۶۶۵).

این حزب که نماینده اخوان در عراق است، نمایندگی‌هایی به دیگر اقوام عراقی تحت عناوین مختلف داد؛ همچون حزب عدالت ترکمنی در سال ۲۰۰۴ و حزب اتحاد اسلامی کردستانی در سال ۲۰۰۴ (خیون، ۲۰۱۳م، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ وب سایت اخوان المسلمین).

الف) بحران

این حزب بحران اصلی عراق را در فقدان دولت شهروندی می‌داند. اگر به روش حزب اسلامی عراقی مراجعه کنیم، می‌بینیم آنها راه حلی برای سازگاری اسلام و دموکراسی عرضه می‌کنند و نقطه اشتراکشان، استفاده از دموکراسی به‌عنوان یک ابزار است، نه به‌عنوان فلسفه نظام سیاسی.

ب) تنها عامل بحران

تدوین و همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۰۵ عراق: نوشتن قانون اساسی فرصت منحصر به فردی را برای بازسازی دولت عراق، از نظر نظام حکومتی (نهاد های حکومت و روش فعالیت آنها) و همچنین از لحاظ دولت - ملت (مشارکت همهٔ جماعت‌های دینی، فرهنگی و قومی بر اساس عدالت) پدید آورد. نیز فرصت تضمین آینده و منافع همه طیف‌ها و مذاهب و به وجود آمدن چشم‌اندازی مورد قبول و یکپارچه را فراهم کرد که می‌توانست در صلح و امنیت و ثبات در عراق کمک فراوانی به ملت عراق کند.

همه‌پرسی قانون اساسی در ۲۰۰۵ با استقبال نسبتاً خوبی روبه‌رو بود که به ۶۳ درصد رسید و ۷۸ درصد این آرا با موافقت با قانون اساسی همراه بود، ولی این نسبت بالا در تأیید نمی‌تواند حقیقت رد گسترده قانون اساسی را از طرف استان‌هایی با اکثریت سنی پنهان کند. حزب اسلامی، ائتلاف شیعی - کردی را که به نظر آنها هنوز از آن ضربه می‌خوریم، یکی از اسباب به وجود آمدن بحران می‌دانست. پس از پیروز شدن قانون اساسی با چارچوب سیاسی ذکر شده هر مذهب و قومی به سمت هویت‌های کوچک‌تر و دید تنگ‌تر حرکت کرد و ساخت دولت بر اساس قومی و مذهبی ساخته شد و حزب اسلامی هم نتوانست خارج از این جوّ به وجود آمده حرکت کند (نشست بحرالعلوم، صالح المطلق، ۲۰۱۳م، ص ۱۰-۱۱ و ۱۴-۱۵). بنابراین، تنها عامل بحران را قانون ۲۰۰۵ می‌دانست.





ج) جامعه مطلوب

این حزب جامعه آرمانی خود را طبق خصوصیات جامعه کاملاً اسلامی که بر اساس مبانی و راه روش جامعه آرمانی زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله اداره و تنظیم شد، ترسیم کرد؛ البته با تعریف اخوانی آن و با همان شرایط و ویژگی‌ها (عکاشه، ۲۰۱۵م، ص ۱۷۴).

د) راهکارهای رسیدن به جامعه مطلوب

این حزب اخوانی برای تحقق این اهداف، راه‌ها و شیوه‌های گوناگونی را در سطح فرد، خانواده و جامعه مورد استفاده قرار داد؛ از جمله تبلیغات، رسانه، روزنامه‌ها و مجلات و همین‌طور نوشته‌ها، مقالات، کتاب‌ها و از طریق ائمه مساجد که توانست بسیاری از آنها را به‌طرف خود جذب کند.

اما مهم‌ترین ابزار اخوان مسلمین در جهان و به‌ویژه حزب اسلامی عراق که می‌تواند در نهایت آنها را به اهداف مرحله‌ای و نهایی خود برساند، مفهوم ابزاری «تربیت» یا «آموزش و پرورش» است. آنها از این ابزار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای خود اشاره می‌کنند و به‌طور علمی به آن پرداخته‌اند (علی‌الحلیم، ۱۹۹۰م، ص ۱۵).

۷. هیئت علمای مسلمین و جماعت‌های مسلح

این نهاد در سخت‌ترین لحظه‌هایی که عراق از آن می‌گذرد، به وجود آمد؛ یعنی لحظه سقوط عراق در اشغال ارتش «انگلساکسونی‌ها» که در ابتدای قرن ۲۱ میلادی اتفاق افتاد (سایت علماء المسلمین، ۱۳۹۵ش). این خلاصه‌ای از تعریفی است که این نهاد از خود در سایت رسمی‌اش کرده است. تاین هیئت در ۲۰۰۳/۴/۱۴ از طرف پانزده تن از طلبه و علمای دین سنی به وجود آمد (الزبیدی و دیگران، ۲۰۰۸م، ص ۳۲۳). هدف این حزب نمایندگی مرجعیت سنی‌ها در عراق در جوانب مختلف زندگی، از جمله سیاست بیرون راندن اشغالگر آمریکایی است (الزبیدی، ۲۰۱۳م، ص ۶۴۶-۶۴۷).

جماعت مسلح سنی در امتداد سلفی‌گری علمی (تقلیدی) است، ولی با آنها در نگاه متفاوتش به ولی امر (حاکم) به اختلاف می‌افتد. همچنین این جماعت اصل احترام علمای بزرگ مذهب را زیر سؤال می‌برد. از اینجا جهاد به‌طور محوری در فکر سیاسی سلفی با عنوان «السلفیه الجهادیه» ظهور پیدا می‌کند. سلفی جهادی به دو نوع تقسیم می‌شود:



۱. سروریه (الربیعی، ۲۰۱۵م، ص ۱۱۴-۱۱۵) که بر دو اصل تأکید می‌کند: اول: مخالفت خود را با اطاعت از ولی امر (حاکم) تا سقوط نظام‌ها اعلام می‌کند. دوم: جنگ با شیعه و تشیع و سه ارتش دارد: ارتش اسلامی الجیش الاسلامی، ارتش مجاهدین (جیش المجاهدین) و انصار السنه.

۲. تکفیری، تفکر سلفی - تکفیری در سال ۱۹۹۷ در عراق ظهور کرد. آنها پس از تصرف کویت به دست عراق و مخالفت سلفی‌ها در به‌کارگیری نیروهای آمریکایی به عربستان سعودی برای حمایت از خاکش و بازپس‌گیری کویت، حاکمان عربستان سعودی را به ارتداد متهم نموده، دیگر از آنها اطاعت نکردند. این برخلاف مبدأ سلفی عدم خروج بر حاکم مسلم بود (همان، ص ۱۴۰). این نوع سلفی‌گری در عراق گروه‌های مختلفی داشت که بعد از تحول و تطوری که در آن پدید آمد و طی مراحل مختلف چه قبل از ۲۰۰۳ و چه بعد از سقوط صدام به داعش تبدیل شد و از گروه‌ها و جمعیت‌های فراوانی تشکیل شده است که وحدت رویه هم ندارند. به‌رحال به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین گروه‌ها می‌توان از پنج جمعیت و گروه نام برد: جماعت توحید و جهاد، قاعده جهاد در بلاد رافدین، مجلس شورای مجاهدین، حلف المطیبین، دولت عراق اسلامی (همان، ص ۱۴۰-۱۶۴).

الف) بحران

برای اینکه به اصل بحران نزد این گروه‌ها برسیم، لازم است توضیحی کوتاه در این باره بدهیم که سلفی «جهادی» در امتداد سلفی «علمی» یا سلفی «سنتی» است، ولی تفاوت آنها دیدگاه سلفی «جهادی» درباره ولی امر یا همان «حاکم» است. سلفی جهادی حاکم و حاکمیت را تنها در شکل اسلامی سلفی آن، یعنی دولت خلافت اسلامی قبول دارند و هر حاکم و دولتی را با قوانین مدنی «جهل» و «کفر» می‌دانند (همان، ص ۱۱۴). اما اتفاقی که در عراق افتاده این است که امتدادی که بین سلفی‌های «علمی» و «جهادی» بود، به یک همگرایی رسید و تقریباً هیچ تفاوتی میان آنها باقی نمانده است؛ زیرا هر دو در منطقه‌ای زندگی می‌کردند که در آن حکومت و حاکم، اجنبی بود (اشغالگر آمریکایی) و بعد از انتخابات به نظر آنها «بدعت»‌گران و غیرمسلمانان حکومت را به دست گرفتند.

هیئت علمای مسلمین سلفی‌های علمی (تقلیدی یا سنتی) کسانی هستند که راه دعوت

و تعلیم و رد اصل مشارکت سیاسی را در پیش گرفتند و تلاش آنها برای نشر جوانب صحیح ۹۱



عقیده اسلامی و پاسخ به اندیشه‌هایی است که به نظر ایشان از اسلام واقعی منحرف شده است، به‌طور ویژه فرقه‌های اسلامی مختلف همچون خوارج و شیعیان. نمایندگی این جهت در عربستان سعودی شیخ عبدالعزیز بن باز^۱ و شیخ محمد بن صالح العثیمین^۲ و طلاب او هستند و در اردن ناصرالدین الالبانی^۳ و در عراق شیخ حارث الضاری و هیئت علمای مسلمین بعد از ۲۰۰۳ به شمار می‌آیند.

بنابراین، بحران اصلی آن‌گونه که از اهداف و عملکرد و مبانی معرفتی می‌توان دریافت، دو بحران اصلی است: وضعیت پیشامده بعد از ۲۰۰۳ (خیون، ۲۰۱۳، ص ۲۲۰-۲۲۲) و فقدان خلافت اسلامی (السویدی، ۲۰۱۵، ص ۳۸۵).

ب) علل و عوامل بحران

حکومت شیعیان و نفوذ ایران (شندب، ۲۰۱۴، ص ۱۰۷)، دموکراسی در عراق (عکاشه، ۲۰۱۵، ص ۲۷)، رواج جهل و شرک سیاسی دینی، جنگ با و بدعت‌گران و جاهل بودن دولت و جامعه، دوری از خداوند، کمک‌گیری از کافران، شکستن خط مقاومت (هلال شیعی)، ایجاد سدی در دروازه دولت‌های خلیج و اعراب در برابر گسترش تشیع و نیز احیای جامعه سلف صالح، بحران‌های اصلی عراق را از دیدگاه هیئت علمای مسلمین عراق (سلفی علمی یا سنتی) و جماعت‌های مسلح (سلفی جهادی یا نو سلفی‌ها و سرورین) به وجود آورد (نجات، ۱۳۹۵، ص ۲۱-۲۶).

ج) جامعه مطلوب

جامعه اسلامی سلفی در واقع با ابزار یکسان‌ساز خلافت، بر روش سلفیان و برتری فهم سلف تأکید داشت. همین‌طور با توجه به مبانی معرفت‌شناسی سلفی‌ها که رویکردی ظاهرگری و انکار تأویل داشتند و فقط نقل را قبول و از عقل و شهود گریزان‌اند و

۱. عبدالعزیز بن عبدالله بن باز از مفتیان اهل سنت اهل عربستان سعودی و از جمله هواداران اصلی مفتی‌های و رئیس هیئت بزرگان علمای عربستان بود که در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۰ در ریاض به دنیا آمد و در ۱۳ مه ۱۹۹۹ در مکه از دنیا رفت.

۲. محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن عثیمین التمیمی النجدی، در ۹ مارس ۱۹۲۵ در شهر عنیزه واقع در ایالات قصیم در عربستان سعودی به دنیا آمد و در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۱ از دنیا رفت.

۳. محمد ناصر الدین البانی یکی از علمای دین سلفی است که در سال ۱۹۱۴ در شهر اشکودر در کشور آلبانی متولد شد و در ۲ اکتبر ۱۹۹۹ در شهر عمان اردن از دنیا رفت.

هستی‌شناسی آنها که به مجردات و محسوس بودن خداوند در قیامت اعتقاد دارند و جامعه‌شناسی که می‌خواهند بر اساس اصل توحید جامعه را انعکاسی از این اصل بدانند و آن را یکسان کنند، می‌توان ویژگی‌های این جامعه را به خوبی لمس کرد. بنابراین، می‌توان آرمان جامعه آنها را که همان جامعه سلف صالح است، برداشت کرد و آرمان‌شهر آنها حاکمیت خداوند اوست که در «دولت خلافت اسلامی» تجلی پیدا می‌کند.

د) راهکارهای رسیدن به جامعه مطلوب

تکفیر، تشخیص دشمن (الربیعی، ۲۰۱۵م، ص ۱۷۰-۱۷۶)، رد قواعد جهاد، عضوگیری (رفعت، ۲۰۱۵م، ص ۲۰۵ و ۲۱۲)، رد حرمت خودکشی (عطوان، ۲۰۱۵م، ص ۱۸۹ و ۱۹۸)، بحران‌سازی (الدبایی و دیگران، ۲۰۱۵م، ص ۱۲۹ و ۱۳۲)، توحید و اطاعت، تفکیک دارالاسلام از دارالکفر (محمد بن عبدالوهاب، ۱۹۷۸م، ص ۳-۸ و ۱۲-۲۱) از جمله مهم‌ترین راهکارهای موردنظر این جریان فکری - سیاسی در راستای رسیدن به وضعیت مطلوب به شمار می‌آید.





سننی		شیعه				جریان‌های فکری - سیاسی ۴ رکن نظریه اسپریگنز
هیئت علمای مسلمین و جماعت‌های مسلح (نو سلفی عراق)	حزب اسلامی	تبار صدري	مجلس اعلا	حزب الدعوة	مرجعیت	
وضعیت پیش آمده بعد از ۲۰۰۳، فقدان خلافت اسلامی	فقدان دولت شهروندی	فقدان مدیریت نزاع	فقدان چشم‌انداز، برنامه‌ریزی، مدیریت	تاریخی (تغییر قدرت از سنی به شیعی)، فرهنگ	نبودن جامعه مدنی	بحران
حکومت شیعیان و نفوذ ایران، دموکراسی در عراق، رواج جهل و شرک سیاسی دینی	قانون اساسی ۲۰۰۵ م عراق	چالش‌ها و رقابت‌های داخلی چالش‌های خارجی فساد مالی	رقابت و چالش‌های سیاسی داخلی، خارجی، فساد	یافت قومی و مذهبی ناهمگن، مداخله جویی خارجی	فرهنگ، هویت، فساد، اشغالگری	عوامل بحران
جامعه اسلامی سلفی با ابزار یکسان‌ساز خلافت	جامعه اسلامی اخوانی	جامعه مطلوب ندارند (جامعه با ولایت شخص مقتدی صدر)	جامعه‌ای با دو خصوصیت ارزش‌ها و اصول اسلامی؛ ملی‌گرایی	جامعه اسلامی با ۱۳ مؤلفه	جامعه مدنی	جامعه مطلوب
تکفیر، تشخیص دشمن، رد قواعد جهاد، عضوگیری، رد حرمت خودکشی، بحران سازی، توحید و اطاعت، تفکیک دار الاسلام از دارالکفر	تربیت و آگاهانیدن تمامی اقشار در تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی ...	فقط راهکارهای عبور از بحران دارند مانند راه‌حل‌هایی از نوع بحران و روشمند	ساخت دولت مدرن اتحاد سرزمینی ملی عراق، حمایت از هویت ملی، آشتی ملی شراکت حقیقی بین طیف‌های جامعه	فقیه متعامل با نص، بسترهای چهارگانه فعالیت حزبی، اسلامی، اسلامی،	دولت سازی و فرهنگ‌سازی	راهکارهای رسیدن به جامعه مطلوب

جدول خلاصه دیدگاه‌های جریان‌های فکری - سیاسی اسلامی در عراق بر اساس نظریه بحران

۸. نتیجه

آنچه گذشت، نشان می‌دهد دو جریان اصلی فکری - سیاسی اسلامی در عراق پس از ۲۰۰۳ درباره داخلی بودن بحران با خوانش‌های متفاوت اتفاق نظر دارند و تنها حزب الدعوة امتداد خارجی آن را مد نظر دارد. از این‌رو، بیشتر عوامل بحران به مسائل داخلی و نوع حکومت‌ورزی منعطف است و مداخله‌جویی خارجی را در امتداد عدم مدیریت و برنامه

چشم‌انداز صحیح می‌دانند، ولی حزب الدعوه با توجه به عامل بحران آن را شکسته شدن سد نفوذ شیعی در منطقه دلیل اصلی مداخله‌جویی خارجی می‌داند و عامل اصلی خارجی یا امتداد خارجی است. در همین راستا جامعه مطلوب ترسیم‌شده از سوی این جریان‌ها، جامعه اسلامی با خوانش‌های گوناگون از پشتوانه فکری دو جریان اصلی شیعه سنی است، مگر نهاد مرجعیت که با توجه به نوع نگاه درونی و تحلیل پیرامونی عراق و با استفاده از تجارب مراجع پیشین، جامعه مدنی را آرمان جامعه می‌داند مگر تیار صدی که اساساً جامعه مطلوبی را ترسیم نمی‌کند. اما راهکارهای ارائه‌شده از سوی دو جریان اصلی، تفاوت بسیاری دیده می‌شود، هرچند همگی راهکار حمایت از دولت ملی با ارزش‌های اسلامی را اتفاق نظر دارند، ولی نوع ابزارها را متفاوت عرضه می‌کنند به‌غیر از نوسلفی‌گرایی عراق که بر بحران‌سازی و تشکیل خلافت اسلامی به‌عنوان ابزار یکسان‌ساز جامعه بر اساس مؤلفه‌های سلف تأکید دارند.





۹. منابع

- احمد امجد اهلل (۲۰۱۴م)، حزب الدعوة الاسلامية، پایان نامه ارشد علوم سیاسی نجف اشرف دانشگاه علمین.
- احمد محمد علی جابر (۲۰۱۱م)، الوحدة الوطنية في فكر القوى السياسية العراقية بعد عام ۲۰۰۳م، پایان نامه ارشد، منتشر نشده، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه بغداد.
- الاديب، علی (۲۰۱۲م)، خارطة الطريق لمعضلة العراق، بغداد: نشر دار بابل.
- اسپرینگز، توماس (۱۳۷۰)، فهم نظريه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- الامامی، عباس جعفر (۲۰۱۴م)، الرقابة العامة للمرجعية الدينية في العراق الحديث، بیروت: نشر دار العارف.
- آل مهنا، علی عیسی (۲۰۰۷م)، منعطف القرار الفصلي بين العراقيين، بیروت: نشر دار المحجة البيضاء.
- آیین نامه داخلی حزب الدعوة اسلامی.
- البغدادي، سامی (۲۰۱۰م)، مبادئ الدولة و القيادة لدى مراجع الحوزة العلمية، نجف اشرف: مطبعة البينة.
- جعفری، ابراهیم (۲۰۰۸م)، تجربه حکم، بیروت: نشر مرکز دراسات المشرق العربي.
- حکیم، سید عمار (۲۰۱۴م)، رؤيتنا السياسية، بغداد: نشر دفتر ریاست مجلس اعلاى اسلامى.
- الخفاف، حامد (۲۰۱۵م)، النصوص الصادرة، بیروت: دار المورخ العربي، چاپ هفتم.
- الخياط، سيف (۲۰۰۵م)، كيف حكموا العراق اوراق في دهاليز مجلس الحكم، بغداد: مطبعة مؤسسة السفير.
- الربيعی، خليل (۲۰۱۵م)، السلفية في العراق، بغداد: نشر دار الكتب العلمية.
- رشيد، خيون (۲۰۱۳م)، ۱۰۰ عام من الاسلام السياسي بالعراق: السنة، دبي: نشر مركز المسبار للدراسات و البحوث، چاپ سوم.
- _____ (۲۰۱۳م)، ۱۰۰ عام من الاسلام السياسي بالعراق: الشيعة، دبي: نشر مركز المسبار للدراسات و البحوث، چاپ سوم.
- الرفاعي، عبدالجبار (۲۰۱۴م)، مفهوم الدولة في مدرسة النجف، مغرب: نشر مؤسسه مؤمنون بلا حدود.
- رفعت السيد احمد (۲۰۱۵م)، داعش و خلافة الدم، قاهره: نشر دار الكتاب العربي.



- روزنامه رسمی الوقائع العراقية، ش ۱۰۲، تاریخ ۲۰/۱۲/۲۰۰۸م.
- الزبیدی، حسن لطیف (۲۰۰۷م)، موسوعة الاحزاب العراقية، بیروت: دارالعارف للمطبوعات.
- _____ (۲۰۱۳م)، موسوعة السياسية العراقية، بیروت: نشر دارالعارف للمطبوعات.
- _____ و دیگران (۲۰۰۸م)، العراق و البحث عن المستقبل، بیروت: نشر المركز العراقي للبحوث و الدراسات.
- سایت رسمی پارلمان عراق: www.parliament.iq
- سایت هیئت علماء المسلمین، www.Raqi-ansi.com 1395
- السعدی، علی (۲۰۰۹م)، حزام النار، بیروت: نشر العارف للمطبوعات، چاپ دوم.
- السویدی، جمال سند (۲۰۱۵م)، السراب، ابوظبی: مركز الامارات للدراسات و البحوث الاستراتيجية.
- شبر، صلاح جواد (۲۰۱۵م)، حزب الدعوة عند ما حکم، بیروت: نشر دار الروافد.
- صدر، مقتدای (۲۰۱۵م)، حوار التيار الديني مع التيار المدني، نجف: نشر هیئة تراث السيد الشهيد الصدر.
- عطوان، عبدالباری (۲۰۱۵م)، الدولة الاسلامية الجذور التوحش المستقبل، بیروت: دار الساقی، چاپ سوم.
- عكاشه، خالد (۲۰۱۵م)، أمراء الدم، قاهره: نشر المجموعة الدولية سما.
- علی عبدالحمید محمود (۱۹۹۰م)، وسائل التربية عند إخوان المسلمين، مصر: نشر دار الوفاء.
- فالح عبدالجبار و دیگران (۲۰۰۶م)، مآزق الدستور، بیروت: نشر معهد الدراسات الاستراتيجية.
- فائق عبدالکریم (۲۰۰۱م)، سيرة قائد و تاريخ مرحلة، بیروت: نشر دار العارف.
- الکعبی، ستار کریم (۲۰۱۰م)، التيار الصدري و الطائفية اشکاليات و حلول، بغداد: سفينة النجاة.
- لاری دایموند (۲۰۰۷م)، النصر المهدور، دبي: نشر مركز الخليج للأبحاث.
- مجموعه پژوهشگران (۲۰۱۰م)، خصائص و معالم العراق الجديد، عراق: مكتب الثقافة و الاعلام المجلس الاعلى، شماره ۱۹.
- مجموعه پژوهشگران (۲۰۱۰م)، دور المجلس الاعلى في بناء الدولة العراقية الجديدة، عراق: نشر مكتب الثقافة و الاعلام المجلس الاعلى، وحدة الثقافة السياسية المجلس الاعلى، شماره ۲۰.
- مجموعه پژوهشگران (۲۰۱۰م)، معالم الاستراتيجية الوطنية لتيار شهيد المحراب، عراق: نشر مكتب الثقافة و الاعلام المجلس الاعلى، شماره ۱۸.

- محمد بن عبد الوهاب (١٩٧٨م)، كشف الشبهات في التوحيد، قاهره: نشر المطبعة السلفية.
- محمد عبد الحمزه (٢٠٠٨م)، النظام السياسي العراقي بعد ٢٠٠٣م، ابيان نامه ارشد دانشگاه بغداد، دانشكده علوم سياسي.
- مختار الدبابي و ديگران (٢٠١٥م)، الاسلام السياسي العنفي و وهم الديمقراطية، بيروت: نشر دار العرب.
- منشورات حزب الدعوة الاسلامية (١٩٨٣)، ثقافة الدعوة الاسلامية.
- منشورات حزب الدعوة الاسلامية (١٩٨٤م)، ثقافة الدعوة الاسلامية.
- الموسوي، مصطفى ناجي واحد (٢٠٠٥م)، الفكر السياسي للشهيد محمد باقر الحكيم، ابيان نامه ارشد، منتشر نشده، دانشگاه بغداد.
- المؤمن، علي (٢٠٠٤م)، سنوات الجمر، بيروت: نشر المركز الاسلامي المعاصر، چاپ سوم.
- _____ و ديگران (بي تا)، صدمة التاريخ، بيروت: نشر مركز دراسات المشرق العربي.
- نجات، سيد علي (١٣٩٥)، كالبديشكافي داعش، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي ابرار معاصر.
- نشست بحرالعلوم (٢٠١٣م)، احمد جليبي، ازمة العراق مركبه و المال جوهر الصراع، نجف: نشر الراءد.
- نشست بحرالعلوم (٢٠١٣م)، سيد عمار حكيم رئيس مجلس اعلامي عراق، ازمة العراق غياب الرؤية و التخطيط و الارادة، نجف اشرف: نشر الراءد.
- نشست بحرالعلوم (٢٠١٣م)، صالح المطلك، ازمة العراق دستور عام ٢٠٠٥م، نجف: نشر الراءد.
- نشست بحرالعلوم (٢٠١٣م)، ضياء الاسدي رئيس پارلمان تيار صدرى، ازمة العراق الصراع و تعدد الخيارات، نجف: نشر الراءد.

